



جایگاه نازل روش تحقیق و

آیین نگارش در نظام

آموزشی ما

انتقال میراث علمی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر در جوامع امروزی عمدتاً از طریق آثار مکتوب صورت می‌گیرد. به روزگار ما، شاید جامعه‌ای را نتوان سراغ گرفت که برای این انتقال از ابزار کتابت نتواند بهره‌جوید. عصر سینه به سینه سپردن دانسته‌ها و تجربه‌ها و ذخایر فرهنگی سپری شده است.

اما این انتقال در رشته‌های متنوع زمانی با کفایت و سهولت و سرعت مطلوب صورت می‌گیرد که انتقال‌دهندگان به مهارت نگارشی مجهز باشند. تعلیم این مهارت به همین دلیل حایز اهمیت حیاتی است و هر قدر منابع مالی و نیروی انسانی در راه آن صرف شود کم است. بیهوده نیست که، در سنت علمی و فرهنگی ما، به تربیت دبیر، مظهر اتم مهارت نگارشی، توجه خاص می‌شده است.

مهارت نگارشی، نه تنها برای انتقال ذخایر علمی و فرهنگی بلکه همچنین برای برقراری انواع ارتباطات و مراودات در سطوح محدود و وسیع و در عرصه بین‌المللی و جهانی کاربرد دارد. نگاهی به فهرست مندرجات اثر سترگ چهارده جزئی (در چهارده مجلد) *صبح الأعی فی صناعة الإنشاء*، تألیف شهاب‌الدین قلفشندی قاهری (۷۵۶-۸۲۱)، مورخ و ادیب و پژوهشگر غواص، نمودار می‌سازد که، برای کسب مهارت در صنعت دبیری، به چه مایه وسعت معلومات در علوم و فنون و مهارت در نگارش نیاز است.

اما لازمه نوشتن خواندن و پژوهیدن، کسب معلومات و تحقیق است. خواندن به معنای مطالعه جدی نه ذوقی، منتظم و

برنامه‌ریزی شده نه دیمی، انتقادی نه تعبدی، فعال و همراه یادداشت برداری نه انفعالی، مستمر نه گاه‌گاهی. معلومات هرچه عمیق‌تر و وسیع‌تر باشد راهها به روی پژوهشگر گشاده‌تر است. برای تحقیق برخوردار از نظم و نسق و ثمربخش نیز آشنایی با روش تحقیق ضرورت دارد. تحقیق، به مقتضای موضوع آن، از راه مطالعه و بررسی منابع و مراجع مکتوب، استفاضه از اهل نظر، کار میدانی، و کار آزمایشگاهی صورت می‌گیرد. برای بهره‌گیری از منابع مکتوب آشنایی با آنها، توانائی تشخیص درجه اعتبار و اصالت آنها، تمیز صحیح از سقیم و سره از ناسره، معتبر از نامعتبر همچنین توان استفاده از آنها ضرورت دارد. فی‌المثل پژوهشگری که از زبان منبع بیگانه باشد، کیفیت تنظیم آن را نشناسد، با خط و رسم الخط آن مأنوس نباشد، و اهل اصطلاح نباشد قهراً نمی‌تواند از آن بهره‌برد. طرز استفاده از آثار و رویکرد انتقادی به آنها، حل مشکل در موارد اختلاف منابع و مراجع بر سر داده‌هایی معین نیز در این زمینه مطرح است. در تحقیقات میدانی، بازدید و مصاحبه مطرح است. اگر پژوهشگری از احوال موضوع بازدید یا مصاحبه اطلاع دست کم اجمالی نداشته باشد، از برنامه‌ریزی بازدید عاجز و از فنون مصاحبه بی‌خبر باشد، نتواند مقدمات و زمینه‌های لازم برای آنها فراهم سازد طبعاً نمی‌تواند در پژوهشهای خود این طریق را اختیار کند یا نتایج مطلوب از آن به دست آورد. پژوهشگر نباید قاصرهمت باشد. محققانی بوده‌اند که، برای تحقیق در حوزه‌ای خاص، خود را ناگزیر دیده‌اند زبانی را فراگیرند، با فرهنگهایی آشنا گردند، رنج سفرهایی را پذیرا شوند و در شرایط بسیار سخت مدتی مدید در شهرها و روستاهای دور از کشور خود به سر برند و با فرهنگهای بیگانه دمخور گردند.

تعلیم روش تحقیق زمانی مثمرتر می‌گردد که با انتقال تجربیات از طریق کارگاهی یا استاد شاگردی قرین باشد. در واقع، ظرایف کار، مشکلات راه، پیچ و خمها و گرهها، همه و همه در همان تجربه‌ها مدغم است و با آموزش نظری تنها منتقل نمی‌گردد. نگارش نیز فنونی دارد که تنها در دوره‌های کارگاهی می‌توان آنها را با تمرین آموخت و آن افزون و علاوه بر لوازم و مقدمات نظری است از جمله شامل آشنایی با مفاهیم بنیادی زبان و قواعد ساختاری آن و گنجینه‌ای نسبتاً غنی از واژگان و اصطلاحات و تعبیرات متنوع و الگوهای صرفی و نحوی و چرخشهای کلام و راههای پروردن معانی با همیانی از مواد و عناصر فرهنگی.

در فنون نگارش نکته‌هایی هست که تنها از راه تمرینات کارگاهی می‌توان آنها را تعلیم داد و آن قابل قیاس است با آنچه فی‌المثل مربی فوتبال در تمرین به بازیکنان گوشزد می‌سازد آن هم به بازیکنانی که سالیانی از روزگار شباب را در این فن گذرانده‌اند. نمونه‌هایی از این نکات‌اند اینکه کجا باید به شرح و بسط گرایید و کجا باید به اشاره و اجمال برگزار کرد، چه در متن بیاید و چه در پانویشت، کجا باید شاهد آورد و چقدر و کجا نیازی به شاهد نیست، کجا باید استدلال کرد و کجا نقل، کجا باید منبع نقل را معرفی کرد و کجا نه، کجا باید آراء متعدد را مطرح ساخت و کجا این کار لازم نیست، در هر مقام و موقع چه نوع تعبیرات را به کار برد - تخصصی یا غیرتخصصی، رسمی یا غیررسمی، ادیبانه یا عامیانه، عادی یا فرهیخته و متکلف. کوتاه سخن، هزار نکته باریک‌تر از مو اینجاست که تنها در مشق و تمرین کارگاهی می‌توان با آنها آشنا شد.

حال ببینیم برای تعلیم مهارت در زمینه تحقیق و نگارش چه برنامه‌ها و راه و روشها و امکاناتی در نظام آموزشی ما وجود دارد. پیش از هر چیز باید متذکر شویم که این تعلیم باید از مقطع آموزش دبستانی آغاز گردد و در مقاطع تحصیلی دیگر در سطوح بالاتری ادامه یابد. متعلم از همان ابتدا باید با ابزارهای تحقیق آشنایی و انس و الفت پیدا کند و به نوشتن و دست به قلم بردن خوگر شود. شخصاً بارها شاهد بوده‌ام که دانش‌آموزان Community School (مدرسه‌ای مختص فرزندان اعضای سفارتخانه‌ها و اتباع انگلیسی‌زبان بیگانه در خیابان ژاله)، حامل کوله‌باری از کتاب، در پایان روز از مدرسه بیرون می‌آمدند که لااُبُد برای تهیه تکلیف یا برای شرکت فعال در مباحثه می‌بایست مطالعه کنند. در همه مقاطع تحصیلی، افزون بر درس نظری، تمرین و تکلیف و آموزش کارگاهی ضرورت دارد. کافی نیست به تکلیفها نمره داده شود. نمره دادن صرف یک گام هم دانش‌آموز را به پیش نمی‌برد. آنچه دانش‌آموز را قدم به قدم جلو می‌برد ذکر خطاها، نارساییها، ضعفها خلاصه نوعی اظهار نظرها و اصلاحات ویرایشی کار او و راهنمایی اوست. تشویق و حتی وادار ساختن دانش‌آموز به خواندن، بحث و گفت‌وگو درباره خواننده‌های دانش‌آموزان در کلاس درس، شرکت دادن همه کلاس در بحث با نظرخواهی سازماندهی بحث (conference leadership)، و نتیجه‌گیری از آن، از جمله وظایفی است که معلم آیین نگارش باید انجام دهد. باید

دید آموزگاران و دبیران ما توانائی ایفای این نقش را دارند و اگر دارند آماده صرف وقت و نیرو برای آن هستند؛ چون لازمه آن صلاحیت علمی و مهارتی و عشق و علاقه آموزشی است.

اگر این تعلیمات در مقاطع دبستانی و دبیرستانی پی‌گیرانه و به شایستگی صورت پذیرد، کار در مقطع دانشگاهی آسان خواهد بود و شاید اساساً در این مقطع نیازی به درس مستقل آیین نگارش نباشد. می‌دانیم که در انگلستان یکی از شروط ورود به دانشگاه گذراندن امتحان GCE (General Certificate of Education) است که امتحان زبان انگلیسی در سطح پیشرفته جزئی از آن است. همچنین در ایالات متحده آمریکا و کانادا یکی از شروط ورود به دانشگاه گذراندن امتحان TOEFL (Test of English as Foreign Language) است و این بدان معنی است که دانشجوی از بدو ورود به دانشگاه در حد لازم مهارت نگارشی به زبان برنامه‌های درسی آن دارد. در برنامه کنکور ما نیز، آزمون زبان فارسی گنجانده شده است. اما داوطلب چه‌بسا با نمره نازل نیز بتواند رتبه لازم را برای ورود به یکی از دانشکده‌ها کسب کند بگذریم از اینکه تست (آزمون)ها اصلاً نشان‌دهنده درجه مهارت نگارشی نیست بلکه تنها نمودار میزان محفوظات است و حتی مبلغی از آنها جنبه بلاغی دارد و از این حیث دور از مقصود است.

بدین قرار، عموم افرادی که وارد دانشگاه می‌شوند از مهارت نگارشی بی‌بهره‌اند. در دانشگاه نیز، با گذراندن دو واحد آیین نگارش نمی‌توانند این مهارت را کسب کنند و حاصل کار در تکلیفها و اوراق امتحانی و پایان‌نامه آنان همچنین متعاقباً در مقاله‌های آنان زمانی که به عضویت هیئت علمی درمی‌آیند و در پی تحصیل امتیازند نمایان است.

کوتاه سخن، حاصل آن است که متخصص در رشته‌های متعدد فراوان و حتی در برخی رشته‌ها زاید بر نیاز داریم اما نویسندگان و تولیدکنندگان ورزیده مواد تخصصی انگشت‌شمارند؛ دانش‌آموختگان معلومات دارند اما توانائی بیان معلومات و یافته‌های خود را ندارند. این کمبود در مذاکرات و جلسات و مجامع علمی نیز به شدت احساس می‌شود که شرکت‌کنندگان از بیان موجز و بلیغ مطالب خود ناتوانند و این باعث می‌شود که سطح فرهنگ جلسات تنزل یابد و مبلغ معتناهی وقت و بودجه بر سر مباحثات بیهوده و تکراری تلف شود.

سردبیر